

زبان پژوهش

دوفصلنامه علمی-پژوهشی زبان پژوهی (علوم انسانی مابین ادب‌شناسگاه ایران و اسلام)
سال سوم، شماره ۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

- بررسی و توصیف چگونگی کاربرد و ادراک صورت‌های اشاری در تایبیه زبان فارسی زبان
- ریشه‌شناسی عامیانه جای نام‌های ایرانی (جمل تاریخ و هویت)
- دیرکرد قله هجا در ساخت نوایی واژه‌بست‌های زبان فارسی
- نگاهی به ویژگی‌های اعرابی کتاب اعراب القرآن نوحی و املام مامن به الرحمن عکبری (بررسی موردي)
- توصیفی از گفتار دانش آموزان پایه اول ابتدایی در نظریه نقش گرای نظام متدهلیدی: فرانوش متی
- بازی نشانه‌ها و ترجمه شعر
- بررسی انگیختگی واژگانی در واژه‌های مرکب زبان فارسی در دو مقطع زمانی با فاصله دویست سال (دویست سال پیش و مقطع کنونی)
- تولید اسم‌های ساده و مرکب در بیماران زبان پریش فارسی زبان
- توصیف مشخصه‌های تصریفی زمان، شخص و شمار در فعل‌های بسیط زبان مازندرانی
- تاثیر نمود فعل بر تظاهر «را» در جمله

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

صفحه

بررسی و توصیف چگونگی کاربرد و ادراک صورت های اشاری در نایسایان فارسی زبان	۱
اعظم استخی، نرجس منفرد	۲۵
ریشه شناسی عامیانه جای نام های ایرانی (جمل تاریخ و هویت)	۴۱
رحمان بختیاری	۷۱
دیر کرد قله هجا در ساخت نوایی واژه بست های زبان فارسی	۵۱
محمود بی جن خان، وجده ابوالحسنی زاده	۹۳
نگاهی به وزیری های اعرابی کتاب اعراب القرآن نجاح و املاء مامن به الرحمن عکبری (بررسی موردی)	۱۳۳
احمد پاشا زانوس، آرزو شبدایی فرهنگی	۱۷۷
توصیفی از گفتار دانش آموزان پایه اول ابتدایی در نظریه نقش گرای نظام متدهای: فرانش منی	۱۹۵
مهدی دستجردی کاظمی	۲۱۷
بازی نشانه ها و ترجمه شعر	۲۵۵
فرزان سجودی، فرناز کاکه خانی	۲۷۷
بررسی انگلیخانی واژگانی در واژه های مرکب زبان فارسی در دو مقطع زمانی با فاصله دویست سال (دویست سال پیش و مقطع کنونی)	۳۰۱
شهرلا شریفی، لیلا عرفانیان قوتویی	۳۲۷
تولید اسم های ساده و مرکب در بیماران زبان پریش فارسی زبان	۳۴۳
موسی غبجه پور، شهرلا رقیب دوست	۳۶۷
توصیف مشخصه های تصویری زمان، شخص و شمار در فعل های بسط زبان مازندرانی	۳۸۳
جلیل الله فاروقی هندوالان، ناصر پیرزاده	۴۰۵
تأثیر نمود فعل بر ظاهر «را» در جمله	۴۲۷
محضومه تعجبی پازوکی	۴۴۳
چکیده مقالات به زبان انگلیسی	۴۶۷

دوفصلنامه علمی - پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهرا (س)

سال سوم، شماره ۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

بررسی و توصیف چگونگی کاربرد و ادراک صورت‌های اشاری در نایینایان فارسی‌زبان

اعظم استاجی^۱

نوجس منفرد^۲

تاریخ دریافت: ۸۹/۴/۱۰

تاریخ تصویب: ۹۰/۳/۸

چکیده

در این مقاله، کاربرد صورت‌های اشاری فارسی را در ارتباط زبانی فرد نایینای مطلق و فرد بینا، از دیدگاهی صرفاً زبان‌شناسی بررسی کرده‌ایم. بدین منظوره نخست، صورت‌های اشاری و انواع آن را معرفی کرده‌ایم. صورت‌های اشاری به عنوان ابزاری زبانی، کاربردهای بسیاری دارند؛ زیرا در تعامل زبانی فرد نایینای و بینا، قطعاً یکی از دو طرف مکالمه، حس بینایی ندارد و مسئله نایینایی، بر ارتباط زبانی بین آنها به ویژه در کاربرد صورت‌های اشاری اثر می‌گذارد. بر این اساس، در پژوهش حاضر، برای تکییک صورت‌های اشاری با مصدق عینی از صورت‌های اشاری با مصدقی غیرعینی، از دسته‌بندی لوینسون (۱۹۸۳) درباره انواع صورت‌های اشاری استفاده کرده‌ایم و پس از پنج ماه مشاهده و مصاحبه با پنج نایینای تحصیل- کرده، صورت‌های اشاری فارسی را در ارتباط زبانی فرد نایینای مطلق و فرد

۱. استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد estajji@um.ac.ir

۲. کارشناس ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

«من» و «تو» مشکلی ندارد؛ اما در کاربرد صورت‌های اشاری شخصی از نوع اول شخص جمع، نخست باید همراهان و مخاطبان خود را شناسایی کند؛ مثلاً فرد (د) که می‌دانست چهار نفر از دوستانش همراه او هستند، گفت: «ما داریم کجا می‌رویم؟» و آنها در جواب گفتند: «به هتل می‌رویم»؛ اما بعداز اینکه روی کانابه هتل نشستند و چهار نفر دیگر برای تهیه آتاق- به گونه‌ای که فرد (الف) متوجه نشد- به قسمت پذیرش هتل مراجعه کردند، فرد (الف) دوباره پرسید: «ما الان کجایم؟» و هیچ جوابی نشنید.

صورت‌های اشاری دوم شخص: در کاربرد صورت‌های اشاری شخصی از نوع جمع دوم شخص نیز در درجه اول، فرد نایینا باید مخاطبان را شناسایی کند تا ارتباط به صورت موقفیت آمیز برقرار شود؛ مثلاً فرد (ب) که می‌دانست سه نفر در آتاق هستند، گفت: «شما هم می‌آید؟»؛ اما بعداز اینکه دو نفر از آنها- به صورتی که فرد (ب) متوجه نشد- از آتاق بیرون رفتدند، فرد (ب) دوباره پرسید: «شما هنوز نیامده‌اید؟».

صورت‌های اشاری سوم شخص: شرط کاربرد صورت‌های اشاری سوم شخص از سوی فرد نایینا، شناسایی فرد جدید به کمک یکی از حواس شنوایی یا لامسه است؛ مثلاً ممکن است او با شنیدن صدای قدم‌زندهای فرد جدید پرسد: «او که بود؟» و یا با احسان فردی جدید در کنارش پرسد: «آن فردی که در کنار من است، کیست؟».

نکته قابل توجه در این بحث، تعداد افراد مورد اشاره است. فرد نایینا برای اشاره به یک فرد جدید ازین افراد متعدد، یکی از ویژگی‌های آن فرد را ذکر می‌کند که از طریق حسی جز بینایی برایش قابل درک است؛ مثلاً ممکن است بگوید: «آن فردی را که کفش‌هایش صدا می‌داد، بین» و یا «آن فردی که روبروی ما در حال سخن‌رانی است، کیست؟» و تنها در مواردی از صفت‌های قابل درک با حس بینایی استفاده می‌کند که آن را از فردی بینا شنیده باشد؛ مثلاً فرد (الف) پس از پرسیدن درباره رنگ لباس فرد تازه‌وارد و فهمیدن آن گفت: «آن مرد لباس قرمز کی بود؟».

فرد نایینا برای تمایز صورت‌های اشاری شخصی سوم شخص جمع از مفرد باید بتواند با استفاده از حواس لامسه و شنوایی، و یا پرسیدن از فرد بینای دیگر، تعداد مخاطبان خود را شناسایی کند و

در کاربرد صورت‌های اشاری جهتمند و فاصله‌مند، اگر فرد نایبنا بخواهد با توجه به موقعیت مکانی خود، به جهت اشیاء اشاره کند، باید از پیش، جهت آنها را نسبت به جایگاه خود شناسایی کند؛ اما اگر بخواهد با توجه به جایگاه مخاطب خود، به جهت اشیاء اشاره کند، معمولاً نخست جهت مکانی مخاطب را نسبت به جایگاه مکانی خود شناسایی می‌کند و سپس جهت شیء مورد نظر را با توجه به موقعیت مخاطب تخمین می‌زند؛ مثلاً فرد (ب) برای اینکه جهت مداد روپروریش را با توجه به موقعیت مخاطب در سمت راستش نشان دهد، گفت: «آن مدادی را که در روپروری در سمت چپ است، برایم بیاور».

۴-۲-۲. صورت‌های اشاری شخصی

ادراک صورت‌های اشاری شخصی ازسوی نایبنا بدن صورت است: صورت‌های اشاری دوم شخص: اگر بخواهیم به فرد نایبنا بفهمایم که قصد برقراری ارتباط با او را داریم، باید به معروفی خود با ذکر ناممان پیردازیم و اگر بخواهیم بین چند مخاطب، فرد نایبنا را خطاب قرار دهیم، باید بعداز هر وقfeای که در مکالمه رخ می‌دهد، با ذکر نام خود و یا روش‌های دیگر، او را متوجه کنیم؛ و گرنه ممکن است کاربرد صورت اشاری شخصی دوم شخص مفرد بهتنهایی، این ابهام را برای نایبنا به وجود آورد که فردی دیگر مورد خطاب است؛ مثلاً هنگامی که با استفاده از جمله «تو چه می‌خواهی بکنی؟»، فرد (ج) را ازین چند فرد دیگر خطاب قرار دادیم، او پاسخی نداد.

صورت‌های اشاری سوم شخص: اگر صورت‌های اشاری سوم شخص مانند او، ایشان و آنها درباره افرادی به کار روند که فرد نایبنا هیچ پیش‌زمینه قبلى‌ای از آنها نداشته باشد، ادراک مصدق این صورت‌های اشاری برای او مشکل‌ساز خواهد بود؛ مثلاً وقتی به فرد (ج) گفتیم: «آنها دارند چه کار می‌کنند؟»، او پرسید: «منتظر تان چه کسانی است؟».

کاربرد صورت‌های اشاری شخصی ازسوی نایبنا بدن صورت است: صورت‌های اشاری اول شخص: معمولاً مشاهده شده که اگر فرد نایبنا فقط با یک نفر ارتباط برقرار کند و در جایگاه گوینده یا مخاطب قرار گیرد، در تشخیص صورت‌های اشاری شخصی

براساس موقعیت مکانی اشیایی بیان شوند که برای فرد نایینا، جایگاهی تعریف شده و ثابت در آن، متول و یا محل کارش دارند، برای او قابل درک است؛ مثلاً به فرد (ج) گفتیم کتابی را از بالای کمد لباستن بدده و او متوجه منظور گوینده شد و کتاب را برای او آورد؛ اما در صورتی که فرد نایینا در مکانی جدید با اشیایی دارای موقعیتی تعریف نشده برای او قرار گیرد و از صورت‌های اشاری براساس موقعیت مکانی این اشیاء استفاده شود، درک این صورت‌ها برای فرد مشکل می‌شود؛ مثلاً وقتی فرد (الف) به فروشگاهی وارد شد و از فروشنده پرسید: «از کجا می‌توانم شکلات بردارم؟» و فروشنده به او گفت: «از کتار آجیل‌ها...»، او متوجه منظور فروشنده نشد؛ زیرا نخست باید جایگاه آجیل‌ها برایش مشخص می‌شد تا بعد بتواند جایگاه شکلات‌ها را بیابد.

- صورت‌های اشاری دائمی: این عناصر، شامل صورت‌هایی مانند دوروبر، همین اطراف و... است. در این حالت نیز مانند صورت‌های اشاری جهتماند، فرد نایینا صرفاً با شنیدن این صورت‌ها قادر به تشخیص جهت مورد نظر است؛ اما این صورت‌های اشاری باید با توجه به جهت‌هایی بیان شوند که مرکز آنها موقعیت مکانی مخاطب ناییناست و یا اشیایی که برای او جایگاهی تعریف شده دارند. اگر این صورت‌های اشاری به جهت‌هایی اشاری کنند که مرکز آنها اشیایی با موقعیتی تعریف نشده برای فرد نایینا باشد، درک آنها مشکل خواهد بود. باید نخست، جایگاه آن شی «برای فرد نایینا مشخص شود و سپس این صورت‌های اشاری درک شوند؛ مثلاً وقتی به فرد (الف) گفتیم آن مدادی را که دوروبر آن میز افتاده، بیاورد، وی پرسید: «کدام میز را می‌گویی؟».

برای استفاده از صورت‌های اشاری مکانی، فرد نایینا باید بتواند قبل از کاربرد این عناصر، آنها را با حواس دیگر ازجمله لامسه و شناوی شناسایی کند و بدان سبب که شناخت محیط پیرامون فرد نایینا بدویژه محیط جدیدی که هیچ پیش‌زمینه قبلی‌ای از آن ندارد، برای او مشکل و زمان بر است، فرد نایینا از این صورت‌ها کمتر استفاده می‌کند. نکته قابل توجه این است که گوینده نایینا با این تصور که مخاطب او بیناست، از صورت‌های اشاری دارای مصدقاق دیداری استفاده می‌کند؛ مثلاً فرد (الف) برای اشاره به مدادی که قبلًا با حسن لامسه‌اش آن را شناسایی کرده بود، گفت: «این را دیده‌ای؟».

سر همراه با حرکت ابروها نشان داده می‌شود؛ مثلاً برای اشاره به مدادی که دورتر از ما است، باید به وسیله صورت اشاری «آن»، جهت اشاره را با انگشت سبابه یا حرکت سر و ابروها نشان دهیم. ادراک این اشاره‌های غیر کلامی دیداری نیازمند داشتن حس یعنی است؛ زیرا در غیر این صورت، در ک مفهوم صورت‌های اشاری و مکان شیء مورد نظر، ناممکن است. در کاربرد این صورت‌های اشاری خطاب به فرد نایین، جهت مورد اشاره برای آن فرد قابل شناسایی نیست؛ مثلاً برای اشاره به مدادی که روی میز قرار داشت، به فرد (ب) گفتیم: «آن را بدار!» ولی او قادر به درک این صورت اشاری نبود و درنتیجه پرسید: «منظورت چیست؟»؛ بنابراین در این گونه موارد، باید از قرینه‌های قابل درک به وسیله حس شناوی یا لامسه استفاده کرد؛ مثلاً می‌توان صورت زبانی‌ای را به کار برد که نشان‌دهنده جهت است: «آن چیزی را که در سمت راست است، بدار!» و با تولید صدایی مثل بشکن‌زدن، جهت شیء را نشان داد؛ همچنین در این نوع اشاره‌های زبانی - که لازمه شناسایی شیء مورد نظر، داشتن حس یعنی است - اگر نام مصدق مورد نظر، علاوه‌بر جهت آن ذکر نشود، ادراک آن شیء، کاملاً ممکن نیست؛ زیرا با فرض اینکه چند شیء در سمت چپ فرد نایین قرار گرفته باشد، صرف دانستن جهت شیء - که مثلاً در سمت چپ است - در تشخیص آن تأثیری ندارد. به عنوان مثال، به فرد (الف) گفتیم: «آن را که در سمت چپ است، بدار!» و او بالا فاصله قیل از اینکه به دنبال شیء مورد نظر بدان سمت برود، پرسید: «چی را بدارم؟». براساس این آزمایش باید حتماً نام شیء مورد اشاره و یا صفت بر جسته و تمیز‌دهنده آن علاوه‌بر جهش ذکر شود.

- صورت‌های اشاری جهتمند: این صورت‌ها شامل بالا، پایین، چپ، راست و ... هستند و در کاربرد آنها از اشاره‌های غیر کلامی دیداری هم استفاده می‌شود؛ مثلاً زمانی که بخواهیم بگوییم: «برو سمت چپ»، ناخودآگاه با دست خود به سمت چپ اشاره می‌کیم؛ اما برای درک جهت مورد نظر، نیازی به دیدن آن نیست؛ بنابراین، فرد ناییناً صرفاً با شنیدن این صورت‌ها قادر به تشخیص جهت مورد نظر از آنهاست؛ اما باید دقت کرد که این صورت‌های اشاری، با توجه به جهت‌های شکل گرفته براساس موقعیت مکانی مخاطب ناییناً بیان شوند؛ به عبارت دیگر، در این موارد، مرکز اشاره، فرد ناییناست؛ بدین معنی که مثلاً در کاربرد صورت اشاری «سمت چپ»، سمت چپ فرد ناییناً مورد نظر باشد؛ نه گوینده بینا. علاوه‌بر آن، اگر این صورت‌های اشاری،

صورت‌های اشاری در نایینایان، تفاوت‌هایی در خور ملاحظه داشته باشد؛ بدین ترتیب، در این بررسی، بیشتر بر صورت‌های اشاری مکانی، شخصی، اجتماعی و بخشی از صورت‌های اشاری زمانی تأکید می‌شود که مصدق غیرانتراعی دارند و تنها با حواس پنج گانه قابل درک هستند.

۱-۲-۴. صورت‌های اشاری مکانی

در این بخش، نخست به بحث ادراک صورت‌های اشاری مکانی می‌پردازیم. همان طور که پیشتر گفته‌یم، صورت‌های اشاری مکانی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

(الف) صورت‌های اشاری فعلی شامل فعل‌هایی که به جهتی خاص اشاره می‌کنند؛ مانند: «با، برو و...»، در کاربرد این صورت‌های اشاری، گوینده معمولاً از طریق اشاره‌های غیر کلامی (مانند اشاره با دست یا اشاره با حرکت سر و بدن، و یا تغییر حالت‌های چهره همچون بالاددن ابرو و...)، به جهت مورد نظرش اشاره می‌کند؛ اما چون فرد نایینا قادر به دیدن این اشاره‌های غیر کلامی نیست، نمی‌تواند جهت اشاره را با استفاده از حس بینایی تشخیص دهد؛ مثلاً وقتی به فرد (الف) گفتیم: «برو»، او متوجه نشد به کدام سمت برود و پرسید: «به کجا بروم؟»؛ البته در مواردی اندک، فرد نایینا با استفاده از حس شنوایی، قادر به تشخیص جهت اشاره است؛ مثلاً به فرد (الف) گفتیم: «با» و او از طریق جایگاه مولڈ صدا تشخیص داد به کدام سمت برود؛ بنابراین، تشخیص جهت اشاره‌های مکانی فعلی، در مواردی که به وسیله حس شنوایی غیر ممکن باشد، برای فرد نایینا مشکل‌ساز است. در این موارد باید حتماً به صورتی قابل درک برای فرد نایینا، به جهت مورد نظر اشاره کرد؛ بدین معنا که باید از جای گزین‌هایی برای این اشاره‌های غیر کلامی - که فقط با استفاده از حس بینایی قابل درک‌اند - استفاده کرد؛ مثلاً به فرد (ب) گفتیم: «برو به عقب...» و بدین صورت، برای او هیچ ابهامی در تشخیص جهت اشاره به وجود نیامد؛ زیرا صورت زبانی «به عقب» که از طریق حس شنوایی قابل درک است، جای گزین اشاره غیر کلامی دیداری شده است.

(ب) صورت‌های اشاری غیر فعلی که شامل موارد زیر است:

- صورت‌های اشاری فاصله‌مند: این صورت‌ها شامل این، آن، اینجا، آنجا و... می‌شوند و اصولاً جهت آنها از طریق اشاره‌های غیر کلامی - که بیشتر از نوع دیداری‌اند - مانند اشاره با دست یا حرکت

های اشاری، گوینده است، در این فرایند، جایگاه مخاطب را هم باید درنظر گرفت. صورت‌های اشاری در نایینایان، از دو جنبه قابل بررسی است:

- (الف) ازنظر ناینایون مخاطب که در این صورت، چگونگی ادراک صورت‌های اشاری ازسوی فرد نایینا مورد توجه است؛
- (ب) ازنظر ناینایون گوینده که در این صورت، چگونگی کاربرد صورت‌های اشاری ازسوی فرد نایینا مورد توجه قرار می‌گیرد.

قبل از ورود به بحث، متمایز کردن صورت‌های اشاری با مصدق عینی (یا به عبارتی با مصدق فعلی موجود) از صورت‌های اشاری با مصدق غیرعینی (یا مصدق قبلی ناموجود)، ضروری بهنظر می‌رسد. با استفاده از مفهوم صورت‌های اشاری نمادین و صورت‌های اشاری اشاره‌ای می‌توان این تمایز را ایجاد کرد؛ زیرا کاربرد اشاره‌ای برای مصدق‌هایی که تنها با استفاده از توانایی‌های حسی و بهویژه نوع دیداری قابل درک‌اند، کاربرد دارد و در این نوع کاربرد، پیوسته مصدق از طریق اشاره و درجربیان بافت، مشخص می‌شود؛ اما در کاربرد نمادین، مصدق با استفاده از بافت از پیش مشخص شده در ک می‌شود و برای مشخص کردن مصدق، نیازی به اشاره دیداری نیست؛ مثلاً در مواردی ممکن است به مکانی اشاره شود که از پیش، برای گوینده و شنونده مشخص شده است؛ به عنوان مثال، اگر برای گوینده و مخاطب، از قبل مشخص شده باشد که مخاطب به جزایر قناری سفر کرده و گوینده در تماس تلفنی از مخاطب بپرسد: «آنجا هوا چطور است؟»، صورت اشاری «آنجا» با کاربردی نمادین به جزایر قناری اشاره می‌کند.

به طور کلی، از میان انواع صورت‌های اشاری، صورت‌های اشاری گفتمانی و نحوی و بیشتر صورت‌های اشاری زمانی، کاربرد اشاره‌ای ندارند؛ چون دارای مصدقی انتزاعی‌اند و برای ادراک آنها، نیازی به وجود توانایی‌های حسی نیست؛ بدین معنا که گرچه ممکن است آنها با اشاره یکدیگر همراه باشند، مصدق این نوع اشاره‌ها غیرعینی است.

در مقابل، صورت‌های اشاری مکانی، شخصی، اجتماعی و برخی صورت‌های اشاری زمانی (مثل صبح، عصر و...) لزوماً دارای مصدق‌هایی غیرانتزاعی‌اند که تنها با استفاده از حواس پنج‌گانه می‌توان آنها را در ک می‌کرد؛ بنابراین، به نظر می‌رسد چگونگی کاربرد و ادراک این دو گروه از

با درنظر گرفتن این پیش‌زمینه، در بخش بعدی، چگونگی کاربرد صورت‌های اشاری را در نایینایان فارسی زبان بررسی می‌کنیم.

۴. کاربرد و ادراک صورت‌های اشاری در نایینایان فارسی زبان

در این بخش، چگونگی کاربرد و ادراک صورت‌های اشاری را در تعامل زبانی افراد نایینایان فارسی زبان توصیف و بررسی می‌کنیم.

۴-۱. روش پژوهش

در این پژوهش، به دلیل نبود آزمون معترض زبانی در زمینه کاربرد و ادراک صورت‌های اشاری در نایینایان فارسی زبان، از شیوه مشاهده و مصاحبه استفاده کرده و بدین منظور، رفتار زبانی را در پنج نایینای مطلق تحصیل کرده ۲۱-۳۲ ساله (شامل دو مرد و سه زن^۱، طی پنج ماه بررسی کردیم. در این بررسی، چگونگی کاربرد و ادراک صورت‌های اشاری از سوی این افراد را به دقت مطالعه و موارد مشاهده شده را ثبت کردیم و با حکم یکی از مریبان توان بخشنی، آنها را دسته‌بندی کردیم. برای تکمیل نتایج مشاهدات، زیر نظر یکی از مریبان توان بخشنی، روش مصاحبه حضوری را نیز به کار گرفتیم.

۴-۲. یافته‌های پژوهش

با توجه به اینکه موضوع این مقاله، بررسی کاربرد صورت‌های اشاری در تعامل زبانی فرد نایینایان و نیستانست، عملاً نبود حس نیستی در یکی از دو طرف مکالمه دیده می‌شود. نکته قابل توجه در این حوزه، نقش دو طرف مکالمه در کاربرد و درک صورت‌های اشاری است و لوینسون هم بر دو مرکزی بودن نظام اشاره‌های زبانی تأکید می‌کند. به اعتقاد او، گرچه مبنای شکل‌گیری صورت-

۱. مشخصات نایینایان مورد بررسی بدین شرح است: فرد الف ۲۶ ساله و مرد؛ فرد ب ۲۱ ساله و زن؛ فرد ج ۲۱ ساله و مرد؛ فرد د ۲۶ ساله و زن؛ فرد ه ۳۲ ساله و زن.

کاتس ورت^۱ (۱۹۵۱) به نقل از کرک و کالاگر، (۱۳۷۹: ۳۹۴) کودکان نایابی مادرزاد را در یک آزمون تداعی آزاد آزمایش کرد؛ بدین صورت که نام یک شیء را به آنها می‌داد و سپس از آنها می‌خواست ویژگی‌های آن شیء را نام ببرند. او دریافت که کودکان کلمه‌هایی را در پاسخ به کار می‌برند که برایشان معنایی مجسم و عینی ندارد.

دیموت (۱۹۷۲) به نقل از کرک و کالاگر، (۱۳۷۹: ۳۹۵) چند کودک نایابنا و بینا را در زمینه توانایی‌های تداعی کلمه‌ها و فهم آنها آزموده و به این نتیجه رسیده است که هردو گروه، تعداد زیادی از کلمه‌ها را از طریق تداعی آنها با واژه‌های دیگر، در استعمال شایع و نه از طریق تجربه‌های مستقیم یاد گرفته‌اند.

سی ولی^۲ (۱۹۸۳) به نقل از کرک و کالاگر، (۱۳۷۹) نشان داده است که کودکان نایابی دارای هوش طبیعی، از نظر توانایی‌های ارتباطی با همسالان بینای خود تفاوتی ندارند.

آندرسون^۳ و همکاران (۱۹۸۴) به نقل از کرک و کالاگر، (۱۳۷۹: ۳۹۵-۳۹۶)، رشد زبانی شش کودک نایابنا را به مدت سه سال مطالعه کرده و نتیجه گرفته‌اند که از نظر زبانی، این کودکان همانند همتایان بینایشان هستند؛ اما به لحاظ کیفیت زبانی، در کمتری از کلمه‌ها دارند و در بیان فرضیه‌هایی درباره معنای کلمه‌ها، کمتر از کودکان طبیعی عمل می‌کنند.

وارن (۱۹۸۴) به نقل از کرک و کالاگر، (۱۳۷۹: ۳۹۶) پس از مروری بر ادبیات مربوط به زبان کودکان نایابنا به این نتیجه رسیده است که درباره کودکان نایابی فاقد دیگر معلومات‌ها، شواهدی دال بر تفاوت‌های آنها با کودکان بینا در برخی حوزه‌های رشد زبان دیده نشده و حوزه‌ای که هنوز در آن مشکل وجود دارد، معنای کلمه‌هاست. براساس پژوهش‌ها، کودکان نایابنا کلمه‌ها را از نظر فراوانی، همچون کودکان بینا در گفتار خود به کار می‌برند؛ اما معنای کلمه‌ها برایشان کمال و صحبت کمتری دارد. هنوز روشن نشده است که آیا چنین تفاوت‌هایی بر قدرت تفکر کودکان اثر می‌گذارد یا خیر.

1. Cutsworth

2. Civelli

3. Anderson

دهند که مفهوم سازی فضای برای افراد ناییناً کاملاً ناممکن نیست. نایینایان بیشتر، مفاهیم مربوط به فضای را به کمک حواسی جز بینایی فرامی‌گیرند؛ به همین دلیل، ممکن است محدودیت‌های دو حس لامسه و شنوایی، آنها را با مشکل روپرتو کند (شریفی درآمدی، ۱۳۷۹: ۹۱).
نایینایان دانش مربوط به چگونگی فواصل و روابط بین اشیاء (کیفیت‌های فضایی اشیاء) را با استفاده از حس لامسه و حرکت‌های بدنی (حس حرکت) کسب می‌کنند. حس شنوایی، همان‌گونه که نشانه‌هایی را برای تشخیص جهت و فاصله اشیاء تولید کننده صدا برای افراد ناییناً فراهم می‌کند، می‌تواند تصویری را نیز درباره محرك‌های صوتی بدست دهد. تجربه‌های لمسی و حس حرکت (تجربه‌های مستقیم)، نیازمند تماس مستقیم فرد با اشیاء و یا حرکت بر حول آنهاست؛ از این روی، درک اشیاء دور مانند اجرام آسمانی، ابرها، افق، و اشیائی بزرگ مانند کوهها و دیگر واحدهای جغرافیایی، و یا چیزهایی کوچک مانند باکتری‌ها، برای نایینایان تقریباً ناممکن است. هنگام کار با افراد ناییناً در می‌باییم که آنها درباره مفاهیم مربوط به فضای برآشته می‌شوند. آنها در ذهن خود، دو مفهوم از فضای دارند: یکی فضایی مجاور که محیط پیرامون آنها را دربر می‌گیرد و تماس‌های واقعی‌شان در آن فضای اتفاق می‌افتد؛ دیگری فضایی عمل که هنگام حرکت ظاهر می‌شود و برپایه تحرك عضلاتی و جایه‌جاشدن به وجود می‌آید و نمی‌توان آن را مانند فضای دور تجربه کرد (وارن^۱، ۱۹۸۴ به نقل از شریفی درآمدی، ۱۳۷۹: ۹۱-۹۲).

۳-۲-۵. رشد زبان

کودکان بینا زبان را از طریق گوش دادن، خواندن و مشاهده حرکت‌ها و حالت‌های چهره یاد می‌گیرند و کودکان مبتلا به نقص بینایی نیز به همین صورت، زبان را فرامی‌گیرند؛ جز اینکه مفاهیم زبانی‌شان از طریق خواندن و استفاده از داده‌های بصری شکل نمی‌گیرد؛ مثلاً کودک بینا مفهوم «توب» را با دیدن توب‌های مختلف یاد می‌گیرد؛ ولی کودک ناییناً از طریق لمس توب‌های مختلف، این مفهوم را می‌آموزد.

از شریفی درآمدی، ۱۳۷۹: ۸۷-۸۸). تصویرهای ذهنی، در رشد شناختی، نقشی بسیار مهم دارند. تأثیری که محرومیت از بینایی، بر تصویرهای ذهنی می‌گذارد، برای تحول شناختی کودک نایبیا بسیار زیان‌آور است؛ از این روی، برای جرمان تأخیر تحول شناختی در کودکان نایبیا، ایجاد تصویر ذهنی از راه تقویت کنش‌های شناوبی توصیه می‌شود. ادراک‌های کودک نایبیا مبتنی بر درون دادهای حسی دیگر حواس، غیراز حس بینایی‌اش می‌باشد و روشن است که به‌سبب نبود حس بینایی در کودک نایبیا، تجربه‌های یادگیری او محدود است (هاردمان^۱ و همکاران، ۱۹۹۰ به نقل از شریفی درآمدی، ۱۳۷۹: ۸۹-۸۸).

۳-۲-۳. توانایی مفهوم‌سازی

بسیاری از پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تحول توانایی‌های شناختی در کودکان نایبیا، از کودکان بینا عقب‌تر است (شریفی درآمدی، ۱۳۷۹: ۸۹)، به عقیده تلفورد^۲ (۱۹۸۶) به نقل از شریفی درآمدی، ۱۳۷۹: ۹۰، کودکان نایبیا در درک و یافتن تداعی‌ها ناتوان‌اند و علت این ناتوانی، نبود تجربه‌هایی است که توانایی پیوند و تداعی بین اندیشه‌ها و اشیاء را در کودکان نایبیا محدود می‌کند. دیموت^۳ (۱۹۷۲) به نقل از شریفی درآمدی، ۱۳۷۹) میزان درک لغت را در کودکان بینا و نایبیا بررسی کرده و دریافته است که این دو گروه در درک مفاهیم و اندیشه‌ها تفاوت دارند. وی نتیجه گرفته است که کودکان خردسال نایبیا مانند کودکان بینا، واژه‌های بسیار زیاد و معانی آنها را، به‌جای تجربه مستقیم، با استفاده از زبان یاد می‌گیرند.

۳-۲-۴. درک روابط فضایی

به‌نظر می‌رسد کودکان نایبیا در درک مفاهیم مربوط به فضا تأخیر دارند. برخی پژوهش‌ها بیانگر آن است که نایبیان در زمینه تحول مفاهیم فضایی^۴ ضعیف‌اند؛ در مقابل، مطالعات دیگر نشان می-

1. Hardman

2. Telford

3. Dimott

4. Spatial Concepts

شدید شده‌اند، نسبت به نایینایان مادرزاد، بسیار ضعیفتر عمل می‌کنند و در تصویرسازی فضایی، تفاوت بسیار دارند.

نوردزیج^۱، زولدهوک^۲ و پوسما^۳ (۲۰۰۷) به نقل از یوسفی و همکاران (۱۳۸۷: ۳۸۳) گفتند که تفاوت‌های گزارش شده درباره افراد بینا و نایینایان مربوط به تصویرسازی دیداری و فضایی است و در تصویرسازی شنیداری، تفاوتی دیده نمی‌شود. افرادی که از بدو تولد نایینایان شده و کسانی که بعداً دچار نایینایی شده‌اند، از لحاظ تصویرسازی فضایی و دیداری، با یکدیگر متفاوت‌اند. در تصویرسازی دیداری، نایینایان از حس لامسه و بینایان از قدرت دیدن استفاده می‌کنند؛ حال آنکه در تصویرسازی فضایی، حس لامسه به تنها یکی کافی نیست و افراد باید دیگر توانایی‌های خود را نیز به کار گیرند.

یوسفی و دیگران (۱۳۷۸: ۸۳۷) معتقدند نایینایان در تصویرسازی محیط‌های کاملاً انتراعی و دور از دسترس، مشکل دارند. بین افراد بینا و نایینایان از لحاظ تصویرسازی حرکتی، تفاوتی معنادار وجود ندارد و هردو گروه تقریباً به یک صورت عمل می‌کنند؛ زیرا تصویرسازی حرکتی ملموس-تر است و آزمودنی‌های نایینایان بر آن تسلطی نسبی دارند. در این نوع تصویرسازی، بیشتر تصورها در اختیار فرد و در رابطه با تصور بدنی او از خویش است؛ بنابراین، فرد نایینایان قادر است در این تصویرسازی، در سطح همسالان عادی خود باشد؛ مثلاً برای یک فرد نایینایان، تصور دویدن و یا ایستادن خود، آسان‌تر از آن است که از او بخواهد بیلاق را در ذهنش تصور کند.

۳-۲-۳. تأثیر نایینایی بر تصویرهای ذهنی

منظور از تصویرهای ذهنی، یاداوری چیزی است که قبل ادراک شده است. این گونه تصویرها شکل‌بندی ایستا، متحرک (تغییر در مکان) و تبدیلی (تغییر در شکل) را شامل می‌شوند و این سه نوع واقعیت، پیوسته، در تجربه‌های ادراکی آزمودنی رخ می‌دهد (پیازه^۴ و اینهالدر^۵، ۱۹۶۹ به نقل -

1. Noordzij
2. Zuldhoek
3. Postma
4. Piaget
5. Inhelder

زودنایینایان^۱، قشر پس‌سری فعالیت بسیار زیادتری نسبت به افراد دیرنایینا^۲ دارد. این شواهد نشان می‌دهد که دوره جرمان حسی پس از محرومیت نایینایی، بعداز چهارده سالگی، عمل کردی چندان آشکار ندارد (کوهن و همکاران، ۱۹۹۹: ۴۵۱-۴۵۸).

در افراد نایینای، قشر دیداری هنگام فعالیت‌های زبانی فعال می‌شود؛ بنابراین، علاوه بر پردازش حسی، در پردازش زبانی هم سهیم است (ساتین، ۲۰۰۵: ۲۸۴).

۱-۲-۳. تصویرسازی دیداری

یوسفی و دیگران (۱۳۷۸) تصویرسازی را شامل دو نوع دیداری^۳ و حرکتی^۴ دانسته‌اند. در تصویرسازی دیداری، فرد صحنه‌ها و یا تصویرهایی را در ذهن خود می‌بیند. تصویرسازی حرکتی، شامل فعالیت شناختی درباره حرکات است که فرد در آن، بدون انجام حرکت بدنی، حرکت‌های را در ذهن خود یادآوری می‌کند. این پژوهشگران پس از بررسی دانش آموزان نایینای و بینا به این نتیجه رسیده‌اند که بین دانش آموزان عادی و نایینای، به لحاظ تصویرسازی دیداری، تفاوتی معنادار وجود دارد؛ زیرا در بیشتر موارد، برداشت آنها از تصویر دنیای اطراف، با تصویری است که دیگران برایشان تشریح کرده‌اند و یا خود با استفاده از دیگر حواس، اعمّاًز لامسه و... بدان دست یافته‌اند (یوسفی و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۸۵-۸۷).

کاتانتو^۵، وکی^۶ و مونه گاتو^۷ (۲۰۰۷) به نقل از یوسفی و همکاران (۱۳۸۷: ۳۸۳)، در پژوهش‌های خود دریافته‌اند که بروز نقص شدید نایینای بعداز تولد در افراد، توایی تصویرسازی فضایی را به گونه‌ای معنادار، در مقایسه با نایینایان مادرزاد کاهش می‌دهد. نایینایان مادرزاد در تعیین مکان و حافظه مکان یابی، همانند افراد بینا عمل می‌کنند؛ در مقابل، افرادی که بعداز تولد دچار نایینایی

1. Early Blind
2. Lately Blind
3. Visual Imagery
4. Motor Imagery
5. Cattaneo
6. Vecchi
7. Monegato

ب) دانش آموزان نسبتاً نایينا با دارای بینایي بسیار اندک که بیشتر از طریق حواس لامسه و شناختی، اقدام به یادگیری می کنند و می توانند از بینایی محدودشان برای تکمیل اطلاعات دریافتی از دیگر حواس - یا با بهره گیری از ابزارهایی خاص - استفاده کنند؛
ج) کودکان کم بینا که از بینایی به عنوان ابزار اولیه یادگیری استفاده می کنند، اما ممکن است اطلاعات دریافتی به کمک بینایی را با دروندادهای شنیداری و لامسه تکمیل کنند (هوارد، ۲۰۰۹: ۳۷۳).

۲-۳. ویژگی های نایینایان

در بیان از دست دادن حس بینایی در سال های آغازین زندگی، در دوره حساس تکامل دیداری، تغییرهایی در مغز اتفاق می افتد که در صورت بروز نایینای در سنین بالاتر وجود ندارد. طول دقیق این سازوکار جبران حسی^۱ هنوز معلوم نیست و در حالت نایینای بعداز بلوغ، نسبت به افراد نایینای مادرزاد، محدودتر است (عامدی^۲ و همکاران، ۲۰۰۵: ۳۰۶). در بررسی هایی که با استفاده از آر.تی.ام. اس^۳ و پتا اسکن^۴ بر روی نواحی فعال شده مغز در هنگام خواندن، در هشت فرد نایینای- که پس از چهارده سالگی نایینای شده بودند- صورت گرفت، معلوم شد که در نایینایان مادرزاد و

1. Cross- Modal Plasticity

2. Amedi

۳ RTMS: نوعی فن آوری است که با تحریک نواحی کورنکس دیداری، سبب انقطع موضعی و گذرا شود، این تحریک فرستادن یک جریان مقاطعی به مغز صورت می گیرد.

۴ PET: در این روش، یک ردیاب زادیواکتیو بسیار کم دوام در خون تزریق می شود و از طریق تصویربرداری عصبی، نقشه ای از مقدار جریان خون در هر منطقه از مغز در وضعیت پردازشی متفاوت تهیه می شود. وقتی وضعیت خاص، باعث افزایش پردازش عصبی در یک یا بیش از یک منطقه از مغز شود، جریان خون در آن منطقه افزایش می باید و این افزایش جریان خون در تصویربرداری عصبی، به خوبی نمایان می شود؛ بنابراین، مثلاً می توانیم موقعیت دیدن یک واژه و ادراک آن را با موقعیت تولید یک واژه با صدای بلند مقایسه کنیم و به این نتیجه برسیم که نقشه حاصل از تصویربرداری عصبی مورده اول، همه قسمت های مورد دوم را دارد؛ به جز بخش هایی که در تولید گفتار دخالت دارند؛ بدین ترتیب، از طریق مقایسه این دو نقشه می توان جایگاه تولید واژه در مغز را مشخص کرد (شریفی، ۱۳۸۶: ۶۵).

در این بخش، چگونگی کاربرد صورت‌های اشاری را در گفتار نایینایان بررسی می‌کنیم. پیش از ورود به بحث، به دستدادن تعریفی از نایینایی، ضروری است.

۱-۳. تعریف نایینایی

از آنجا که افراد دارای معلولیت بینایی، از درجه‌هایی متفاوت از بینایی برخوردارند، تعریف‌هایی مختلف، از جمله تعریف‌های قانونی و آموزشی از مسئله نایینایی به دست داده شده که در اینجا به طرح آنها می‌پردازیم.

در تعریف قانونی نایینایی، بر میدان دید^۱ و تیزی بینایی^۲ تأکید می‌شود. با توجه به اینکه فرد عادی می‌تواند اشیاء را از فاصله بیست پایی^۳ ببیند، فردی که میزان تیزی بینایی اش $20/200$ یا کمتر باشد، به لحاظ قانونی، ناینا محسوب می‌شود^۴ و فردی که تیزی بینایی اش بیشتر از $20/70$ نباشد، از نظر قانونی، کم‌بینا^۵ به شمار می‌رود.

کودکی که براساس تعریف قانونی، کم‌بینا یا نیمه‌بینایی، تسهیلات آموزشی خاصی دریافت می‌کند؛ اما بسیاری از کودکان با تیزی بینایی $20/200$ یا حتی $20/400$ ، با استفاده از کمک‌های ویژه، در کلاس مشکلی ندارند.

به دلیل مناسب‌بودن تعریف قانونی نایینایی برای هدف‌های آموزشی، تعریفی آموزشی نیز از این مسئله به دست داده شده که در آن، بر رابطه بین بینایی و یادگیری تأکید می‌شود. براساس این تعریف، افراد دارای معلولیت بینایی، به سه دسته تقسیم می‌شوند:
الف) دانش آموzan نایینای مطلق که هیچ اطلاعی را از طریق حس بینایی دریافت نمی‌کند و برای یادگیری باید از حواس لامسه و شنوایی استفاده کنند؛

1. Field of Vision

2. Visual Acuity

منظور از تیزی بینایی، توانایی شناسایی اشیاء و تمییز جزئیات است که بیشتر با خواندن حروف، اعداد و دیگر علامت‌های

جاری بینایی استلن (Snellen Chart) اندازه‌گیری می‌شود.

3. Foot

4. Social Security Administration, 2000

5. Partially Sighted

الف) کاربرد اشاره‌ای^۱: در این کاربرد باید لحظه به لحظه، گفتار گوینده را بی بگیریم و یا فیلم صحنه اشاره را ببینیم تا مفهوم پاره گفتار حاوی صورت اشاره‌ای را دریابیم. این نوع کاربرد، دارای دو ویژگی ممیز است: نخست آنکه کاملاً وابسته به بافت است و این بافت، خود وابسته به توانایی‌های زبانی، شنوایی و لامسه است؛ دوم آنکه با اشاره همراه است و این اشاره‌ها معمولاً از نوع کلامی همراه با اشاره‌های غیر کلامی (حرکت‌های دست، ابرو و...) هستند؛ مانند: آن را نگاه کن (همراه با اشاره انگشت سبابه با حرکت ابرو).

ب) کاربرد نمادین^۲: در این گونه کاربرد، گوینده و شنونده با بافت شناخته‌شده‌ای از قبل آشنا هستند و درواقع، اشاره به سوی بافت شناخته‌شده قبلی صورت می‌گیرد؛ مثلاً علی به تهران می‌رود و مریم به او زنگ می‌زند و می‌گوید آنجا هوا خوب است. مهم ترین کاربرد عبارت‌های اشاری، همین نوع نمادین است.

دو کاربرد زیر به این دلیل که برای تعبیرشان تنها بافت زبانی کفايت می‌کند، غیر اشاری محسوب می‌شوند:

ج) کاربرد ارجاعی^۳: با استفاده از برخی صورت‌های زبانی، به پدیده‌ای ارجاع می‌دهیم که قبل از گفتار یا نوشتار، به آن اشاره کردایم؛ مثلاً در پاره گفتار «پیرمردی در جنگل زندگی می‌کرد» او چند دختر داشت؛ دخترانش بسیار زیبا بودند، با کاربرد صورت‌های «او» و «ش»، به «پیرمرد» اشاره کردایم.

د) کاربرد غیر ارجاعی^۴: در این نوع کاربرد، صورت اشاری هیچ گونه مرجع واقعی ندارد؛ مانند: این فائله عمر عجب می‌گذرد

۳. صورت‌های اشاری در گفتار نایینایان

- لازم به توضیح است که در این مقاله، بین دو اصطلاح «اشاری» و «اشاره‌ای» تمایز قابل شده‌ایم.
1. Gestural Usage
2. Symbolic Usage
3. Anaphoric Usage
4. Non-Anaphoric Usage

د) صورت‌های اشاری مکانی: این نوع صورت‌های اشاری برای اشاره به مکانی خاص به کار می‌رود. در عبارت‌های اشاری مکانی، جایگاه یک یا هردو شرکت‌کننده در کش گفتار به عنوان نقطه ارجاع در نظر گرفته می‌شود.

فرخنده (۱۳۸۰) اشاره‌های مکانی را از نظر مقوله دستوری، به دو دسته کلی تقسیم می‌کند: نخست، اشاره‌های غیرفعالی، شامل اسم‌ها، ضمیرها، صفت‌ها و قیدها؛ دیگری اشاره‌های فعلی، شامل برخی فعل‌های حرکتی مانند برو، بیا و... . وی اشاره‌های غیرفعالی را شامل این زیرمقوله‌ها می‌داند (۱۳۸۰): اشاره‌های فاصله‌مند مانند: این، آن، همین، همان، اینجا، آنجا، همین‌جا، همان‌جا؛ اشاره‌های جهتمند مانند: بالا، پایین، چپ، راست، زیر، رو، جلو، عقب؛ اشاره‌های دامنه‌مند مانند: دور و پر، اطراف، سراسر.

ه) صورت‌های اشاری گفتمانی: این صورت‌ها به بخشی از آنچه گفته / نوشته شده / خواهد شد و یا هم زمان گفته / نوشته می‌شود (گذشته، آینده، حال) اشاره می‌کند (ورشورن، ۲۰۰۳: ۲۱)؛ مانند:
- «هم اکنون این قضیه را تشریح می‌کنم» که بیانگر بخشی از گفتمان در زمان حال است؛
- «به بخشی از مطلب اشاره شد» که بیانگر بخشی از گفتمان در زمان گذشته است؛
- «آخر جلسه بدان مطلب اشاره می‌کنم» که بیانگر بخشی از گفتمان در زمان آینده است.

۲-۲. کاربردهای صورت‌های اشاری در چهارچوب لوینسون

به نظر لوینسون (۱۹۸۳: ۶۵)، تعبیر عبارت‌های اشاری، وابسته به بافتی است که گفتمان در آن جریان دارد؛ اما علاوه بر این کاربرد پایه، این گونه عبارت‌ها می‌توانند کاربرد غیراشاری^۱ نیز داشته باشند. بر این اساس می‌توان برای آنها چهار کاربرد عمده قائل شد: دو کاربرد اشاری^۲ و دو کاربرد غیراشاری. در ادامه، با ذکر مثال‌هایی، دسته‌بندی لوینسون (۱۹۸۳: ۶۸) را از کاربرد انواع صورت‌های اشاری معرفی می‌کنیم.

1. Nondiegetic
2. Diegetic

جدول ۱- اشاره های شخصی زبان فارسی

جمع	مفرد	شمار
		شخص
ما (-مان)	من (-م)	اول شخص
شما (-تان)	تو (-ت)	دوم شخص
ایشان/ آنها/ آنان (-شان)	او/ آن (-ش)	سوم شخص

تمایز بین اشاره های شخصی «من» و «تو» ظاهرآ ساده به نظر می رسد؛ اما در جریان مکالمه، نقش هر فرد چندین بار از «من» به «تو» تغییر می کند و کودکان هنگام یادگیری زبان، در تعایز این دو با مشکل روپرور می شوند.

ب) صورت های اشاری اجتماعی: برخی صورت های اشاری شخصی، نشان دهنده مرتبه اجتماعی افراد هم هستند؛ مانند: عالی جناب، جناب عالی، بنده، این جانب و... . این دسته گاه می-توانند کاربردی طنزوار یا طعنه آمیز داشته باشند؛ مثلاً به فردی که بی کار مانده است و به دیگران هیچ کمکی نمی کند، با طعنه می گوییم: «عالی جناب! قهوه میل دارید؟» (یول، ۱۹۹۷: ۱۰-۱۱).

ج) صورت های اشاری زمانی: این گونه صورت های اشاری، بیانگر بازه زمانی ای خاص هستند و با توجه به زمان بیانشان تعبیر می شوند (یول، ۱۹۹۷: ۱۲)؛ مثل اوقات روز (ظهر، عصر، صبح، غروب و...); روزهای قبل و بعد (دیروز، امروز، پریروز، فردا، امسال، پارسال و...); هفته و روزهای هفته؛ این هفته؛ دو هفته پیش و...؛ ماه ها (فرواردین، بهمن، دو ماه پیش و...); نام فصل ها (بهار، پاییز و...); برخی قیدهای زمان (حالا، اکنون، آن موقع، آن وقت ها و...).

صورت های اشاری نحوی نیز نمونه ای از صورت های اشاری زمانی محسوب می شوند و بیانگر زمان دستوری^۱ هستند؛ نه زمان حقیقی؛ مثلاً در جمله «قبل از مرگش، این بیمارستان را تأسیس کرده بود»، صورت زبانی «کرده بود» به زمان ماضی بعید اشاره می کند.

1. Tense
2. Time

در تعامل زبانی، مشکلاتی به وجود می‌آورند، در این مقاله می‌کوشیم تا این صورت‌های زبانی را در گفتار نایتیايان بررسی کنیم.

۲. تعریف صورت‌های اشاری

اصطلاح Diexis از زبان یونانی گرفته شده و به معنی اشاره از طریق زبان است. به طور کلی، به هر صورت زبانی که برای اشاره به کار رود، عبارت اشاری می‌گویند. تعبیر عبارت‌های اشاری به بافت مشترک میان گوینده و شنونده بستگی دارد و درواقع، اصلی - ترین حوزه کاربرد این اصطلاحات، مکالمه‌های رودررو است؛ یعنی جایی که شرکت کنندگان در مکالمه، مطالب را به آسانی در ک می‌کنند؛ اما شخص غایب در فرایند مکالمه، به ترجمه و تفسیر نیاز دارد (یول، ۱۹۹۷: ۹-۱۰).

برپایه تعریف لوینسون (۱۹۸۳: ۵۴)، عبارت‌هایی که مصدق آنها به گونه‌ای نظاممند از طریق جنبه‌هایی از موقعیت گفتار تعیین می‌شود، عبارت‌های اشاری نام دارند و واژه‌هایی مانند این، آن، اینجا، آنجا، من، تو و ... مشخص ترین صورت‌های اشاری هستند. معمولاً زبان‌شناسان صورت‌های اشاری را دارای یک مرکز اشاره می‌دانند که این مقوله‌ها در اطراف آن سازمان یافته‌اند. این مرکز اشاره، مکان و زمانی را که گوینده در آن، پاره گفتاری را به زبان می‌آورد، به عنوان مبنای ارجاع درنظر می‌گیرد. به نظر لوینسون، صورت‌های اشاری خودمحورند؛ یعنی مبنای شکل‌گیری شان گوینده است. درواقع، مرکز گفتمان از منظر شخص بیان کننده پاره گفتار تعیین می‌شود

۲-۱. انواع صورت‌های اشاری

صورت‌های اشاری معمولاً به پنج دسته تقسیم می‌شوند: شخصی، زمانی، مکانی، اجتماعی و گفتمانی. در اینجا به شرح هریک از این دسته‌ها می‌پردازیم:
الف) صورت‌های اشاری شخصی: این دسته شامل صورت‌های اشاری‌ای است که برای ارجاع به اشخاص به کار می‌روند. در زبان فارسی، آشکارترین اشاره‌های شخصی شامل این موارد است:

نیز زمان بیشتری صرف می‌کند؛ بنابراین، والدین به صورت ناخودآگاه، بروندادهایی متفاوت را برای این گونه کودکان تولید می‌کنند (کارمیلوف^۱ و کارمیلوف، ۲۰۰۲: ۱۸۷).

علاوه بر آنچه گفتیم، فرایند یادگیری در کودک نایينا متفاوت است. طبق نظر پژوهشگران، نوزاد عادی، به تقلید تعامل زیادی دارد و از این نظر، کودکی که هم می‌بیند و هم می‌شنود با کودکی که فقط می‌تواند بشنود، تفاوت دارد. در این میان، عواملی چون توجه به حرکت لب‌ها، در گسترش دایره واژگان کودک نایينا نقشی مهم اینجا می‌کند. بسیاری از عناصر زبان، مانند فعالیت‌های مجرای گفتار و تغییر حالت‌های بدنی هنگام تولید گفتار، برای کودک نایينا قابل درک نیست؛ اما این سخن بدان معنا نیست که این گروه از کودکان نمی‌توانند به این مهارت‌های زبانی دست یابند؛ بلکه آنها به صورتی دیگر، این مهارت‌ها را کسب می‌کنند و با افزودن بر میزان حسابستان به صدای‌های پیرامون، این خلا را پر می‌کنند؛ مثلاً تغییر در جهت گوینده را از روی تغییر در صدایش درک می‌کنند.

قشر دیداری مغز^۲ در فرد نایينا درونداد دیداری و شنیداری را دریافت می‌کند. در کودک نایينا، دو حس شنوایی و لامسه به طور وسیعی رشد می‌کند و حجم قسمتی از مغز - که جایگاه دریافت درونداد شنیداری است - گسترش می‌یابد. کودک نایينا برای اینکه بتواند همانند فردی عادی صحبت کند، بر موضع ناشی از محرومیت حسی‌اش غلبه می‌کند و به طور کلی، کودکان در یادگیری زبان در وضعیت‌هایی استثنایی هم بسیار خلاقاله عمل می‌کنند (همان: ۱۸۹).

تاکنون، هیچ گونه بررسی زبان‌شناختی درباره کاربرد صورت‌های اشاری فارسی در تعامل زبانی فرد نایينا و بینا صورت نگرفته است و متخصصان توان‌بخشی و روان‌شناسی نیز به‌دلیل آشنازبودن با این جنبه‌های گفتار، در این زمینه درباره نایينا یان تحقیق نکرده‌اند؛ زیرا به‌نظر می‌رسد معلوماتی بینایی، در تولید و ادراک گفتار، اختلالی ایجاد نمی‌کند؛ اما از آنجا که تغییر برخی صورت‌های زبانی، به بافت فیزیکی مشترک میان سخن‌گو و شنونده بستگی دارد و این گونه موارد

1. karmiloff

2. قسمتی از مغز که دروندادهای بینایی را دریافت می‌کند.

بینا و نیز مشکلات احتمالی در برقراری ارتباط فرد نایینا با بینا را توصیف کرده‌ایم. نتایج این بررسی‌ها نشان می‌دهد که ادراک تمام صورت‌های اشاری مکانی و برخی صورت‌های اشاری شخصی، اجتماعی و زمانی دارای مصدقه‌های عیّنی، از جهاتی برای مخاطب نایینا مشکل‌ساز است و او برای کاربرد این صورت‌های اشاری، لزوماً باید به وسیله قوهٔ لامسه با شناویجه، موادردی را که بدانها اشاره می‌شود، از پیش شناسایی کرده باشد. به دلیل محدودیت‌هایی که در این زمینه و به ویژه در شناسایی اشیاء جدید وجود دارد، فرد نایینا برای ارجاع به اشیاء پیرامونش، از صورت‌های اشاری، کمتر استفاده می‌کند.

واژه‌های کلیدی: صورت‌های اشاری، کاربرد اشاره‌ای، کاربرد نمادین،

زبان در نایینایان، نایینای مطلق.

۱. مقدمه

یادگیری زبان در کودک نایینا از جهاتی با این فرایند در کودکان عادی متفاوت است؛ زیرا زبان گفتاری تنها به برونداد کلامی و درونداد شنیداری محدود نمی‌شود. کودک نایینا همانند دیگر کودکان، درونداد شنیداری دارد؛ اما باید بتواند بین گفتار شنیده‌شده و مصدقه ارتباط برقرار کند. زبان‌آموز نایینا به ویژه در یادگیری ضمیرهای شخصی مشکل دارد؛ زیرا در بیشتر وقت‌ها، هم‌زمان با کاربرد این ضمیرهای از حرکت سر، اشاره و... استفاده می‌شود؛ در حالی که کودک نایینا قادر به دریافت این حرکت‌ها نیست؛ بنابراین، کودکان نایینا (و والدین آنها) به ویژه در اوایل رویدادن مشکل نایینایی، به جای استفاده از ضمیرهای شخصی، اسم‌های خاص را به کار می‌برند. مادر کودک نایینا از همان اوایل کودکی فرزندش، جمله‌هایی چون «اینو بگیر» یا «ایا اینجا» را به ندرت به کار می‌برد و کودک هم کمتر از این صورت‌ها استفاده می‌کند و برای یادگیری آنها

- شریفی درآمدی، پرویز (۱۳۷۹). *روان‌شناسی و آموزش کودکان نایبینا*. تهران: گفتمان خلاق.
- فرخنده، پروانه (۱۳۸۰). «اینجا و آنجا، هرجا: اشاری‌های مکان در زبان فارسی». *مجله زبان‌شناسی*. س. ۱۶. ش. ۲. صص ۳۵-۵۱.
- یوسفی، علمندار؛ مهدی خاتبی، لیلا خواجه پور، حجت حاتمی (۱۳۸۷). «تصویرسازی دیداری و حرکتی دانش‌آموزان نایبینا و عادی». *پژوهش در حیطه کودکان استثنایی*. س. ۸ ش. ۴. صص ۳۸۲-۳۸۸.

- Amedi, A. and Others (2005). "The Occipital Cortex in the Blind: Lesson About Plasticity and Vision". *American Psychological Society*. Vol 14.Pp 306- 311.
- Cohen, Leonardo and Others (1999). "Period of Susceptibility for Cross-Modal Plasticity in the Blind". *American Neurological Association*. Vol 45. Pp 451- 460.
- Heward, William L. (2009). *Exceptional Children: An Introduction to Special Education*. USA: Pearson International Education.
- Karmiloff, Annette & Kyra Karmiloff (2002). *Pathways to Language (From Fetus to Adolescent)*. Cambridge, Massachusetts, London, England: Harvard University press.
- Levinson, S.C. (1983). *Pragmatics*. Cambridge: Cambridge University press.
- Sathian, K. (2005). "Visual cortical Activity during Tactile Perception in the sighted and visually deprived". *Developmental Psychobiology*, 46 (3), pg. 279-286
- Social Security Administration .(2000).
- Verschueren, Jef (2003). *Understanding Pragmatics*. London: Arnold.
- Yule, George (1997). *Pragmatics*. Oxford University Press.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله، چگونگی کاربرد و ادراک صورت‌های اشاری را در زبان نایینایان بررسی کردیم و با توجه به چهارچوب پیشنهادی لویسن درباره انواع کاربردهای صورت‌های اشاری، صورت‌های اشاری با مصدق عینی را از صورت‌های اشاری با مصدق غیرعینی و انتراعی متمایز کردیم. بر این اساس، تمام صورت‌های اشاری مکانی و تعدادی از صورت‌های اشاری شخصی، اجتماعی و زمانی که مصدق‌های عینی دارند، از نظر ادراک، برای مخاطب نایینا مشکل‌سازند و فرد نایینا برای استفاده از این صورت‌های اشاری، لزوماً باید به وسیله حس لامسه یا شناختی، مواردی را که بدانها اشاره می‌کند، از پیش شناسایی کرده باشد. مطلب دیگر آن است که فرد نایینا به دلیل محدودیت‌هایی که در شناسایی اشیاء جدید دارد، کمتر می‌تواند برای ارجاع به اشیاء پیامونش، از صورت‌های اشاری استفاده کند. با توجه به آنچه تاکنون گفتیم، توجه به این نکات، ضروری به نظر می‌رسد: دست‌اندرکاران توان بخشی با آگاهی از نتایج یادشده می‌توانند به صورتی علمی و کاربردی، در زمینه توان بخشی افراد نایینا- چه در کسب مهارت‌های جهت‌یابی و چه در زمینه آموزش آنها- موفق‌تر عمل کنند. توجه به این نتایج، در طراحی و تدوین متنون درسی و کمک‌درسی خاص نایینایان، چگونگی ارتباط معلم با این افراد در کلاس درس، و... بسیار ضروری است؛ زیرا با کامتن از ابهام‌های ناشی از این موارد، آموزش و یادگیری به شکلی بهتر صورت می‌گیرد و از سوی دیگر، اطلاع‌رسانی آگاهانه درباره چگونگی ارتباط با افراد نایینا- بمویزه برای کسانی که اولین بار با این افراد رویرو می‌شوند- در ایجاد ارتباط موفق افراد جامعه با آنها و شکوفا شدن استعدادهایشان بسیار مؤثر است.

منابع

- کرک، ساموئل ای. و جیمز جی. کالاگر (۱۳۷۹). آموزش و پرورش کودکان استثنایی. ترجمه مجتبی جوادیان. مشهد: به نشر.
- شریفی، شهلا (۱۳۸۶). «روی کرد حوزه‌ای به ذهن و زبان از منظر عصب‌شناسی و زبان‌شناسی» مجله زبان و زبان‌شناسی. س ۱. ش ۱. صص ۶۱-۷۴.

متوجه رفت و آمد آنها بشدود؛ زیرا مثلاً اگر تنها یک نفر در اتاق باقی بماند و او تصور کند هنوز چند نفر در اتاق هستند، از صورت اشاری مفرد به جای نوع جمع استفاده می‌کند.

۴-۲-۳. صورت‌های اشاری اجتماعی

در این بخش، به مباحث ذیل می‌پردازیم:

الف) ادراک صورت‌های اشاری اجتماعی: تنها تفاوت این نوع صورت‌های اشاری با گونه شخصی آن است که صورت‌های اشاری اجتماعی علاوه بر اینکه به شخصی خاص اشاره می‌کنند، مفاهیمی دیگر همچون طبقه اجتماعی و... را نیز دربر دارند. ادراک این صورت‌ها در کاربرد طعنه‌آمیز یا طنزآمیز و یا در کاربردهای خود- در صورتی که مفهوم طنز، طعنه و... تنها با استفاده از حس بینایی قابل درک باشد- می‌تواند مشکل ساز باشد.

ب) کاربرد صورت‌های اشاری شخصی: اگر فرد نایتا بخواهد این صورت‌ها را درست به کار برد، نخست باید افرادی را که می‌خواهد از طریق این صورت‌های زبانی، به آنها اشاره کند، با استفاده از حواس لامسه و شنوایی، و یا به کمک حس بینایی فردی بینا جز مخاطبین شناسایی کند؛ سپس لازم است از وجه طنزآمیز برخی صورت‌های اشاری، آگاهی کافی به دست آورد و موقعیت کاربرد به جای این صورت‌ها را بشناسد.

۴-۲-۴. صورت‌های اشاری زمانی

درک برخی صورت‌های اشاری زمانی که به زمان‌های مانند صبح، عصر و شب مریبوطاند، نیازمند داشتن حس بینایی است و فرد نایتا بیشتر براساس ساعت‌های روز، این زمان‌ها را تخمين می‌زند؛ مثلاً فرد (الف) با اطلاع از اینکه در فلان ساعت، خورشید غروب می‌کند و یا در فلان ساعت طلوع می‌کند، قادر به تشخیص روز از شب بود و بدین ترتیب، در ادراک این نوع صورت‌های اشاری مشکلی نداشت؛ اما اگر فرد نایتا به مکانی سفر کند که نتواند در آنجا، ارتباط بین ساعت‌های روز و تاریکی و روشنی را دریابد، در تفکیک اوقات روز، با مشکل روپرتو می‌شود و این مسئله در ادراک این صورت‌های اشاری زمانی نیز مشکل ساز خواهد بود.